حیاۃ القلوب
نویسندہ:
علامہ محمد باقر مجلسی
جلد(۴)

حیاة القلوب

نویسنده:

علامه محمدباقربن محمدتقی مجلسی (ره)

ناشر چاپی:

اسلامیه

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

مضمون احادیث بسیار است «۳»؛ و قول بعضی از مفسران در تفسیر این آیه این است «۴»؛ و بعضی گفته‌اند که: بعد از آنکه حضرت زنان خود را مخیّر گردانید میان اختیار آن حضرت و اختیار دنیا و ایشان اختیار آن حضرت کردند حق تعالی بر آن حضرت حرام کرد که زن دیگر بعد از ایشان بخواهد یا آنکه ایشان را بدل کند «۵»؛ و بعضی گفته‌اند: در اول این حکم مقرر گردید و بعد از آن منسوخ شد «۶». و آنچه در حیاة القلوب، ج۴، ص: ۱۵۳۶ احادیث سابقه وارد شده محل اعتماد است و اقوال دیگر موافق اهل سنت است «۱». و کلینی به سند معتبر از حضرت امام رضا علیه السّلام روایت کرده است که: حضرت رسول صلّی اللّه علیه و آله و سلّم قوت جماع چهل مرد داشت و نه زن داشت و در هر شبانه روز همه ایشان را می‌دید «۲». و علی بن ابراهیم روایت کرده است که: چون حضرت رسول صلّی اللّه علیه و آله و سلّم از جنگ خیبر مراجعت نمود و گنج آل ابی الحقیق به دست آن حضرت آمده بود، زنان آن حضرت گفتند که: آنچه یافته‌ای از این غنیمت به ما بده. حضرت فرمود: قسمت کردم همه را میان مسلمانان چنانکه حق تعالی امر کرده بود. پس زنان به غضب آمدند و گفتند: شاید تو گمان کنی که اگر ما را طلاق بگویی ما کفو خود را از قوم خود نخواهیم یافت که ما را تزویج نمایند، پس حق تعالی غیرت نمود برای پیغمبر خود و امر نمود آن حضرت را که از ایشان کناره کند و در غرفه مادر ابراهیم ساکن شود، پس حضرت از ایشان اعتزال نموده در غرفه مادر ابراهیم که در نزدیک مسجد قبا واقع است ساکن شد تا زنان حایض شدند، پس حق تعالی این آیه تخییر فرستاد یا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِأَزْواجِكَ إِنْ كُنْتُنَّ تُرِدْنَ الْحَياةَ الدُّنْيا وَ زِينَتَها فَتَعالَيْنَ أُمَتِّعْكُنَّ وَ أُسَرِّحْكُنَّ سَراحاً جَمِيلًا. وَ إِنْ كُنْتُنَّ تُرِدْنَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ الدَّارَ الْآخِرَةَ فَإِنَّ اللَّهَ أَعَدَّ لِلْمُحْسِناتِ مِنْكُنَّ أَجْراً عَظِيماً «۳» یعنی: «ای پیغمبر بزرگوار! بگو مر زنان خود را که: اگر هستید شما که می‌خواهید زندگانی دنیا را و زینت آن را پس بیایید تا شما را بهره‌مند گردانم و مال دهم و رها کنم شما را رها کردن نیکو، و اگر هستید که اراده کرده‌اید خدا و رسول او را و سرای آخرت را پس بدرستی که حق تعالی مهیا کرده است برای نیکوکاران از شما مزد بزرگ». پس چون آن جناب این آیه را بر ایشان خواند اول مرتبه امّ سلمه برخاست و گفت: من حیاة القلوب، ج۴، ص: ۱۵۳۷ اختیار خدا و رسول او کردم بر دنیا، پس بعد از او همه برخاستند و دست در گردن حضرت در آوردند و همه آنچه امّ سلمه گفته بود گفتند، پس حق تعالی فرستاد تُرْجِي مَنْ تَشاءُ مِنْهُنَّ وَ تُؤْوِي إِلَيْكَ مَنْ تَشاءُ «۱» یعنی: «دور می‌گردانی و طلاق می‌گویی هر که را می‌خواهی از ایشان و پناه می‌دهی و بر نکاح می‌گذاری هر که را می‌خواهی»؛ پس حق تعالی خطاب کرد زنان آن حضرت را که یا نِساءَ النَّبِيِّ مَنْ يَأْتِ مِنْكُنَّ بِفاحِشَةٍ مُبَيِّنَةٍ يُضاعَفْ لَهَا الْعَذابُ ضِعْفَيْنِ وَ كانَ ذلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيراً. وَ مَنْ يَقْنُتْ مِنْكُنَّ لِلَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ تَعْمَلْ صالِحاً نُؤْتِها أَجْرَها مَرَّتَيْنِ وَ أَعْتَدْنا لَها رِزْقاً كَرِيماً «۲» «ای زنان پیغمبر! هر که از شما اتیان کند به گناه بسیار بد رسوایی- مانند بیرون رفتن به جانب بصره برای آنکه مقاتله با امیر المؤمنین علیه السّلام کند- دو چندان می‌شود برای او عذاب در آخرت، و عذاب او بر خدا آسان است، و هر که قانت و مطیع گردد از شما برای خدا و رسول او و عمل شایسته بکند عطا می‌کنیم مزد او را دو برابر و مهیا می‌گردانیم برای او روزی نیکو» «۳». و به سند صحیح از امام جعفر صادق علیه السّلام روایت کرده است که: فاحشه مبیّنه و گناه رسوا، خروج به شمشیر است «۴» که از عایشه واقع شد. و کلینی به سندهای معتبر بسیاری روایت کرده است از امام محمد باقر و امام جعفر صادق علیهما السّلام که: حق تعالی غیرت نمود برای پیغمبر خود از سخنی که گفت بعضی از زنان او که محمد گمان می‌کند که اگر ما را طلاق بگوید ما کفو خود را نخواهیم یافت از قوم خود که ما را تزویج نمایند. و به روایت دیگر زینب گفت: تو عدالت نمی‌کنی میان ما با آنکه پیغمبر خدایی، و حفصه گفت: اگر ما را طلاق بگوید همتای خود را خواهیم یافت از قوم خود که ما را تزویج نماید. حیاة القلوب، ج۴، ص: ۱۵۳۸ و به روایت دیگر: این هر دو سخن را زینب گفت. و چون آیه تخییر نازل شد حضرت بیست و نه شب از زنان خود کناره کرده در غرفه ماریه بسر برد. و به روایت دیگر: بیست روز وحی از آن حضرت منقطع شد پس آیه تخییر نازل شد و حضرت ایشان را طلبید و مخیّر گردانید و ایشان اختیار آن جناب کردند و اگر اختیار دنیا می‌کردند بر آن جناب، حرام می‌شدند و حکم طلاق به این داشت. و به روایت دیگر: اگر اختیار دنیا می‌کردند حضرت ایشان را طلاق می‌گفت و هرگز نخواهد بود که ایشان